

لغت‌نگار

پیشنهاد کتاب

honar@etemadnewspaper.ir

نگاه-۱

دربارهٔ رمان «شاگرد قصاب»

قصای طبقه فرادست



علی‌سعودی نیا

تواین گرفته تا «چهره مرد هنرمند در جوانی» نوشته جیمز جویس و باز از «خشم و هیاهو» نوشته ویلیام فاکنر گرفته تا «اتور دشت» نوشته جی. دی. سلینجر. منطق اکثر این آثار بر پایه «تجربه زیستی» و «تغییر» شکل می‌گیرد. نو جوان عاصی مشغول سیر و سلوکی زمینی می‌شود و تنش‌هایی را با اجتماع از سر می‌گذراند و نهایتاً به یک تغییر اساسی می‌رسد یا در شکلی نوتر، در عصیان خود ثابت‌قدم‌تر باقی می‌ماند. «شاگرد قصاب» هم مثل آثار مذکور، بر اساس پیرنگی ماجراجویانه، روایتی است از برخورد نو جوانی عاصی با دنیای پیرامونش. «فرنسی برادی» – قهرمان رمان- از همان ابتدا جهان‌بینی مبتنی بر طغیان و ناسازگاری خود را علنا عیان می‌کشد. او حتی رویکرد خود در اجتماع گریزی و اجتنام‌ستیزی را هم در همان سطرهای نخست آشکار می‌کند و می‌گوید به همراه یکی از هم‌پاکی‌هایش وارد داد ترحم که در گودال‌هایی که خودشان کشف کرده‌اند مخفی شوند و مردم را ببینند، بی‌آنکه مردم قادر به دیدن آنها باشند. قهرمان داستان یاتر یک مک‌کیب از طبقه کارگر انتخاب شده و در همان ابتدا با نوعی نگاه جبریوارانه و ناتوازیستی، عوامل محیطی و وراثتی ذخیل در شکل‌گیری شخصیتش برای خواننده عیان می‌شوند؛ پدری نوشخوراه و مادری نیمه‌مجنون و محیط تربیتی خشن. این ایده حتی در عنوان اثر «شاگرد قصاب» قابل رویت است. «شاگرد قصاب» عنوان ترانه‌ای بومی است که مادر «فرنسی» به آن علاقه دارد و روایتی است از بی‌وفای معشوق و انتحار عاشق بیچاره‌ای که به خیانت فرد محبوبش پی برده است. «مک‌کیب» به موازات این پیشینه‌سازی شخصیتی، حال و هوای بزکارانه زندگی «فرنسی» را مطرح می‌کند و اسگار توجیهی می‌تراشد برای هویت ضداجتماعی او. در

عین حال نخستین تنش مهم داستان، درگیری «فرنسی» و «فیلیپ» است که با توجه به زمینه‌سازی‌های اولیه به مثابه مبارزه‌ای طبقاتی جلوه گر می‌شود. نویسنده با منشی کومپیش بعضی‌الوقت، «فیلیپ» را برده از

طبقه رفه را معرفی می‌کند؛ او تمیز است. خانواده خوبی دارد، در سخوان است، دانش زیادی دارد و کنجینه‌های دارد از کتاب‌های کمیک‌استرپی‌ها اما این همه صفت مطلوب را «مک‌کیب» طوری ارایه می‌دهد که «فیلیپ» در نظر خواننده تنها شخصیت جذابی از کار درمی‌آید، بلکه تمام بلاهای بی‌ظفر که «فرنسی» بر سر او آورد، برای ما لذت‌بخش جلوه می‌کند. خشمش ما را رستهای که فیلیپ نمایندند آن است. وقتی شدت می‌گیرد که مادر فیلیپ فرنسی و خانواده‌اش را مثنی «توک» می‌نامد، جنگ طبقاتی از همین لحظه وارد مرحله‌ای جدی و خطرناک می‌شود و کار را به جایی می‌رساند که خانواده فیلیپ برای مهار فرنسی به پلیس متوسل می‌شوند. «شاگرد قصاب» مثل اکثر رمان‌های سنتی که از آن سرچشمه گرفته خشم آثارشیک شخصیت اصلی‌اش را موجه و مستدل می‌کند و در عوض ارزش‌های طبقه رفه را زیر ضربات سنگین نگاه نقاد خود می‌گیرد. هر چند جایی از داستان فرنسی اعتراف می‌کند که شاید فیلیپ بیچاره بی‌گناه بوده و نباید ابقدر آن‌را می‌دیده، اسان این ندای وجدان هم تاثیر چندانی ندارد بر رفتاری که او را با همه در پیش می‌گیرد. تمام این اوصاف نشان می‌دهد که «شاگرد قصاب» با وجود دورانی که خلق شده و معاصر بودن نویسنده‌اش، اثری است با ساختاری کاملا کلاسیک و حتی آموزه‌های مستتر در آن هم بسیار کلاسیک هستند. اما چیزی که این تگ‌گویی بلند و جذاب را مهم و خواندنی می‌کند، همان کاربزمایی است که ما را به حمایرت با قهرمان فروماش‌ای وامی‌دارد؛ چرا این مجموعه رفتاری‌اش شرارت‌آمیز و هنجارشکن برای ما جذاب است؟ آیا دلپیش‌سست‌بینانی بسیاری از مفاهیم اخلاقی و عرفی حاکم بر اجتماع پیرامون ما نیست؟

نگاه-۲

۴۵ سال با برگمان بزرگ

□ یه‌نام حسینی، آنهایی که آشناییشان با اینگمار برگمان صرفاً به تماشای اجباری «مهر هفتم» محدود می‌شود، صفت «رگمائی» هم‌معنای «هر طمطراق» است؛ با وجود تصویر کمره‌کننده‌ای که با اشاره به فیلم‌های برگمان ممکن است در ذهن ما نقش بیند-مش‌آه‌نهادی‌دلگرس‌شمال‌روپا، چهره‌های درهم‌فشرده‌شده با جینگی فرورونده که گویی از میان نقاشی‌های ادوارد دوش و سیرون آمده‌اند، عاشقی که در کنجی کز کرده و به خیانت معشوق فکر می‌کند و پیش‌خوران قرون وسطایی که در مرگ خدا سوگاری می‌کنند در میان آثار او می‌توان کم‌دی‌های شاد و سرخوشانه، تازدای‌های آخر‌ازمانی، درام‌های تلخ خانوادگی و حماسه‌های ملی را باز یافت. بااین‌همه، کتاب «گفت‌وگو با برگمان» (ترجمه آرمان صالحی، نشر شورا‌فرین) این امکان را به ما می‌دهد تا درجه‌ی هم‌رشد آثارش، چهره‌ها و شادی‌های برگمان بزرگ بگشاییم.

«گفت‌وگو با برگمان» به ما این فرصت را می‌دهد که برگمان را در قالب یک کنشگر اجتماعی تصویر کنیم، او در مصاحبه‌ها بارها و بارها از تعلق خاطر خود به خلق اثر هنری در یک چیدمان مشارکتی اشاره

می‌کند و می‌گوید که علاقه‌اش به

سینما و تئاتر، صرفاً به خاطر ماهیت گروهی این هنر‌ها است. مصاحبه‌هم‌یک‌کنش گروهی دوسویه است، هر چند برگمان اغلب طرف صحبت خود را دست می‌اندازد و به سخنره می‌گردد. به‌خصوص زمانی که با مصاحبه‌کنندگان آمریکایی به زبان انگلیسی سخن می‌گوید. هرگز از پاسخ‌دادن به پرسش‌ها طفره نمی‌برد. کتاب حاضر تلاش می‌کند به بررسی حالات و رویکردهای متفاوت و چندگانه برگمان منزوی بپردازد و برشماری از نظریه‌های شخصی و هنری وی نرمزکند که در طول سالیان طولانی برخی از آنها تغییر کرده، و برخی دیگر هم‌چنان بدون تغییر و دستکاری برجسته‌اند. «گفت‌وگو با برگمان» مجموعه ۴۵ سال از حدود ۶۰ سال فعالیت برجسته‌اند هنری برگمان را پوشش می‌دهد و عقاید و دغدغه‌های وی از ۱۹۵۷-یک سال پس از موفقیت خیره‌کننده «مهر هفتم» تا سال ۲۰۰۲-زمانی که برای تولید «سراینده» آماده می‌شد. را دربرمی‌گیرد. سؤال کردن از برگمان، کسی که حتا در ۱۹۵۷ به افسانه‌ی در حوزه سینما تبدیل شده بود، مطمئناً امری دشوار و ترس‌آور بوده است. اکثر مصاحبه‌کنندگان به شکل اجتناب‌ناپذیری، ملاقات با برگمان را با توجه به پیش‌فرض‌های برآمده از شهرت و آثار پیشینش تفسیر کرده‌اند. آنها نتوانسته‌اند از تاثیرات مقالات نوشته‌شده درباره او و رمزگشایی توانمندی فنی و اندیشه‌های برگمان پرداخته، به هنر مصاحبه و مرموز ذاتی و جذاب آن نیز تمرکز دارد. علاوه بر این، کتاب در مقاطع گوناگون، به سراغ روند آفرین‌هنری برگمان می‌رود. از این‌رو، با وجود خلوت‌گرایی برگمان، زمانی که به مصاحبه‌گران اجازه ورود به دنیای خود را داده، فرصتی استثنایی برای مشاهده پشت پرده پرمرموز آثارش را در اختیار آنها قرار داده است. در این کتاب برگمان در قالب یک انسان مودی، یک‌کننده، خوداصلاح‌گر، خودپراگنر، منزوی، خوش‌گذران، تلخ‌زبان و البته جذاب ظاهر می‌شود. ویژگی‌هایی که در شخصیت‌ها و لحن فیلم‌های او نیز بازتاب یافته است. «گفت‌وگو با برگمان» را را ترجمه آرمان صالحی در نشر «شورا‌فرین» می‌خوانید.

نشر خورشید را
در مورد این مطلب
برای ما پیام کنید
شماره ۳۰۰۴۷۳

پیشنهاد-۱

دربارهٔ رمان «بازدم»

تمامی نسل ها نسل سوخته‌اند

□ رسول یوبین-پس از ویژگی‌های رمان‌های نسلی، یکی اینکه همیشه رای بر برحق بودن یک نسل می‌دهند، یا در دینسلی دیگر حرف می‌زنند. هنر اما نیازمند بی‌طرفی است و ادبیات نیازمند نویسنده بی‌طرف‌کار جایی سخت می‌شود که نویسنده، نخواهد از نسل عملکرد نسل‌گوییده از دغدغه‌ها، مشکلات، یأس‌ها و ناامیدی‌های نسل خودش نویسد و

عام و نسل جوان دهه معاصر ایران به‌طور خاص با نسل‌های پیشین چیست. آنچه در رمان «پنجا نرسیده به پل» جایش خالی بود اما این بود که رمان به‌طور کلی دربرگیرنده نسل جوان دهه ۸۰ ایران بود و از نسل‌های پیشین تنها ردپایی که مرگ‌بم به چشم می‌خورد از نسل بعد هیچ، نقطه‌ضعفی که در «بازدم» تا حدود زیادی از بین می‌رود.

«بازدم» روایت کپرزوزه از زندگی پسری ۲۸ساله است که قرار است بی‌رای اقامت تحصیلی از ایران خارج شود. او حالا مانده است و تردیدهایی رفتن و ماندن، تردیدهایی دل‌کندن و دل‌پسندن. در این میان دار کنار او و هم‌راه با او در تهران قدم می‌زیم، با خانواده و اطرافیشان، آشنای می‌شویم و یا کمک‌اینها تصویری کلی از جامعه‌ای که او در آن زندگی می‌کند به‌دست می‌آوریم. با نسل‌هایی آشنای شویم که در این میان هر کدام به نوعی به‌واسطه دایره‌ای بودن تاریخ سرزمین‌شان رنجور و خسته و آسیب‌دیده‌اند. پدران و مسادران مانده‌اند حالا فرزندان هر کدام به‌نوعی، فتن‌را انتخاب کرده‌اند. با مهاجرت، یا خودکشی یا.

«بازدم» در «بازدم»، علاوه‌بر آنکه قرار است به‌سختی لابه‌لای این آدم‌ها حرکت کند و هیچ‌کدام را به خیر یا به شرقت قضاوت نکند،

پیشنهاد-۲

درباره «گرسنگی و ابریشم»

مبارزه از مسیر حافظه

□ میثم غفوریان صدیق / «گرسنگی و ابریشم» مجموعه‌ای از ۱۴ مقاله اثر نویسنده آلمانی تیسار رومانیایی هرتا مولر است. این مجموعه هم‌زمانی از این‌رو که در پایان‌بسا آغاز هیچ‌کدام از مقالات نوشته وجود ندارد، نمی‌تواند زمان دقیق نوشتن قصور را به مخاطب نشان دهد، لاجرم به خاطر نوع نگارش، زبان به کار گرفته شده و محتوای اثر، این مطلب روشن است که این بخش‌ها و مقالات در زمان‌های متفاوتی نوشته‌شده‌است.

مولر در این مجموعه کوشیده است تا با استفاده از تجربه زیسته خود و آداب حافظه، آن‌چنان که خود به آن سپار دارد، یعنی از راه جزئیات به مبارزه آنچه ترس فرد یا افراد از دولت‌ها یا اپیدئولوژی‌های نامد بر خیزد. مولر در بخش‌های مختلف این مقالات با آراچ و مفاهیمی چون ترس، دیگری (یا مفهوم ریگی)، آرمان‌شهر، سوسیالیزم، گرسنگی، امر طبیعی یا غیرطبیعی، حقوق شهروندی و مفاهیمی نظیر اینکه تمامی تجارب زیسته و شخصی هرتا مولر را در دوران زندگی او در زمانی تحت تسلط دیکتاتوری چائوسکو و بعدی در برلین بعد از فروپاشی دیوار حایل شرق و غرب است، نشان می‌دهد، سعی بازگویی یا بازآفرینی و دست‌آخر تحلیل مسائل پیرامون خود دارد چرا که او معتقد است هیچ چیز به اندازه حافظه مورد وثوق و اعتماد نیست، چنان که در جایی از کتاب نوشته است: «حافظه هرگز حقیقت را هانمی‌کند. این تنها ندان است که می‌تواند در خیالیتی عمدی حقیقت را اها کند.»

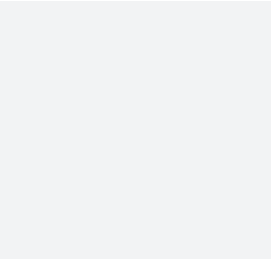
در بخش‌های کتاب که مولر به بحث می‌پردازد از آنجا که مولر در این مفهوم صرفاً در خطی مستقیم به دیکتاتوری منجر شده‌است، استنتاجی کم سابقه می‌کند. می‌نویسد که جزئیات برای ادامه حیات خود نیازی ندارند که به کلتی یکپارچه بدل شوند. آنها می‌توانند همچنان به صورت خرده ریز خاطر‌ها باقی مانده و شکل کلیتی اندوهناک و را گناهیک بر خود نگیرند. او از اینجا دوباره به مفهوم آرمان‌شهر جدد می‌کند و می‌گوید در این صورت (رسیدن مجدد به کلتی را گناهیک همچین باز آفرینی‌ها، در این مفهوم معنای آن را در نظر گرفته است. او در این بخش‌ها کوشیده پس از ایجاد نقب به موضوعی عری از راه حافظه که خود می‌کند تا از تجارب زیسته نویسنده حاصل شده است. تحلیلی زبان- نشانه‌شناسانه در این خصوص ارائه کرده، مثلاً در بخشی از یکی از مقالات کتاب که در خصوص مفهوم دیگری و غریبگی است

پیشنهاد-۴

دربارهٔ نمایشنامه «در دخیف»

یک کم‌دی تلخ

هارولد پینتر، نمایشنامه‌نویس، بازیگر و کارگردان انگلیسی است که نخستین آثار او در دههٔ ناتارت ایزورد قرار می‌گیرد. پینتر برای اهالی تئاتر نویسنده‌های آشناتند، یکی از ستون‌های درام مدرن در جهان محسوب می‌شود و آثارش در سطح جهان بارها و بارها چاپ و اجرا شده‌اند. به تازگی نمایشنامه «در دخیف» با ترجمهٔ «شعله آذر» توسط انتشارات بوتیمار از این نویسنده منتشر و راهی پیشخوان کتابفروشی‌ها شده است. آدم‌های این نمایشنامه یک زن و شوهر مرهفته هستند با یک فروشنده دوره گرد که ظاهر ژولیده و سکوت بیوسته او، مسغله ذهنی آن‌ها زن و شوهر به نام‌های ادوارد و فلورا می‌شود. پینتر با مساله نور و تاریکی درگیری قابل به‌شکلی مثال زدن در متن پل باروشنایی و تاریکی درگیری ایجاد می‌کند. بخش پایانی این کتاب یک یادداشت تحلیلی از مترجم درباره آثار پینتر و به خصوص این



نگاه-۱

دربارهٔ رمان «بازدم»

تمامی نسل ها نسل سوخته‌اند

□ رسول یوبین-پس از ویژگی‌های رمان‌های نسلی، یکی اینکه همیشه رای بر برحق بودن یک نسل می‌دهند، یا در دینسلی دیگر حرف می‌زنند. هنر اما نیازمند بی‌طرفی است و ادبیات نیازمند نویسنده بی‌طرف‌کار جایی سخت می‌شود که نویسنده، نخواهد از نسل عملکرد نسل‌گوییده از دغدغه‌ها، مشکلات، یأس‌ها و ناامیدی‌های نسل خودش نویسد و

عام و نسل جوان دهه معاصر ایران به‌طور خاص با نسل‌های پیشین چیست. آنچه در رمان «پنجا نرسیده به پل» جایش خالی بود اما این بود که رمان به‌طور کلی دربرگیرنده نسل جوان دهه ۸۰ ایران بود و از نسل‌های پیشین تنها ردپایی که مرگ‌بم به چشم می‌خورد از نسل بعد هیچ، نقطه‌ضعفی که در «بازدم» تا حدود زیادی از بین می‌رود.

«بازدم» روایت کپرزوزه از زندگی پسری ۲۸ساله است که قرار است بی‌رای اقامت تحصیلی از ایران خارج شود. او حالا مانده است و تردیدهایی رفتن و ماندن، تردیدهایی دل‌کندن و دل‌پسندن. در این میان دار کنار او و هم‌راه با او در تهران قدم می‌زیم، با خانواده و اطرافیشان، آشنای می‌شویم و یا کمک‌اینها تصویری کلی از جامعه‌ای که او در آن زندگی می‌کند به‌دست می‌آوریم. با نسل‌هایی آشنای شویم که در این میان هر کدام به نوعی به‌واسطه دایره‌ای بودن تاریخ سرزمین‌شان رنجور و خسته و آسیب‌دیده‌اند. پدران و مسادران مانده‌اند حالا فرزندان هر کدام به‌نوعی، فتن‌را انتخاب کرده‌اند. با مهاجرت، یا خودکشی یا.

«بازدم» در «بازدم»، علاوه‌بر آنکه قرار است به‌سختی لابه‌لای این آدم‌ها حرکت کند، و هیچ‌کدام را به خیر یا به شرقت قضاوت نکند،



نگاه-۱

دربارهٔ رمان «بازدم»

تمامی نسل ها نسل سوخته‌اند

□ رسول یوبین-پس از ویژگی‌های رمان‌های نسلی، یکی اینکه همیشه رای بر برحق بودن یک نسل می‌دهند، یا در دینسلی دیگر حرف می‌زنند. هنر اما نیازمند بی‌طرفی است و ادبیات نیازمند نویسنده بی‌طرف‌کار جایی سخت می‌شود که نویسنده، نخواهد از نسل عملکرد نسل‌گوییده از دغدغه‌ها، مشکلات، یأس‌ها و ناامیدی‌های نسل خودش نویسد و

عام و نسل جوان دهه معاصر ایران به‌طور خاص با نسل‌های پیشین چیست. آنچه در رمان «پنجا نرسیده به پل» انجام داده است سرچشمه می‌گیرد و پختگی نثری که به خوبی به زاویه‌دید و زاوی‌ای که برای داستان انتخاب شده است نیز تسری پیدا می‌کند و سبب می‌شود مخاطب در هیچ‌کجای داستان به‌جنسیت‌اروی‌شک‌کنند پرداخته موقعیت‌های عطف داستان که تعدادشان کم نیست، در کنار پایان‌بندی خوب رمان، «بازدم» را بدل به رمانی سالم و نویسنده‌انرش را فصل‌بندی نکرده در کمترین نشست‌های ممکن و یکسره خواننده‌شود.

از پدران و پدربزرگان ما گرفته تا خود ما جوانان امروز ایران، از هر کدمه که بپرسی، خودرا نسل سوخته‌می‌دانند.نسل‌ی که درگیر سیاست، جنگ، انقلاب، تعدیل اقتصادی، آزموین و خطاهای آموزشی بوده‌است. با این همه، جدای ازاینکه کدام نسل به راستی نسل سوخته‌است، کار هنر این است که واقعیت‌را آن‌طور نشان دهد که از قضاوت‌بهدور باشد و کار نویسنده این است که زاویه‌دید مناسبتی برای نگاه کردن به ماجرا پیدا کند؛ زاویه دیدی که در عین حال که به‌دور از قضاوت است، فراغ از جهان‌بینی و عمق نگاه نباشد. کاری که می‌شود گفت، نویسنده بازدم، از پس آن برآمده‌است.

این بهار و این کتاب

سید فرزام حسینی/ واقعیت امر چنین است که کتاب و مساله کتابخوانی چندان دیگر حرمت گذشته را ندارند. جماعت کتابخوان دیگر آنچنان ارج نمی‌بینند و بعضاً حتی به مردمانی بیکار تشبیه می‌شوند. واقعیت قضیه این است که دیگر کتاب قداست گذشته را ندارند، دیگر کتابخوانی امری مفید تلقی نمی‌شود، چرا؟! به دلایلی گسترده. از مسائل اقتصادی بگیرید تا گسترش رسانه‌های الکترونیکی. فکرش را بکنید، تیراز کتابی که روزی روزگاری در این سرزمین به میلیون می‌رسید، حالا و اکنون در بهترین حالت به دو هزار نسخه رسیده است، در چنین وضعیتی، همه چیز یک شوخی عجیب نیست؟ باری، بگذریم، نوروز در راه است، ۱۳ روز تعطیلی و روزهای آغازین بهار. طبعاً مسافرت‌هایی هم

پیشنهاد-۳

دربارهٔ رمان «مردانی در آفتاب»

فرار بزرگ

وجه‌نمادین داستان در مقاله‌ای در انتهای پیوست و در طول فعالیت ادبی خود جوانب ادبی مهمی نیز به دست آورد. کنگفانی در هشتم جولای ۱۹۷۲ با انفجار ماشینش در بیروت به دست سازمان موساد به شهادت رسید. برشی از رمان مردانی در آفتاب: «بو قیس مستسخر را به علامت موافقت تکان داد، مردان هم سرش را.

آن را روانه پیشخوان کتابفروشی‌ها کرده است. مردانی در آفتاب داستانی جذاب و وحشی است؛ شخصیت‌های داستان در فکر فرارند، راهیای از سرزمین اشغالی، سه مرد فلسطینی، از سه نسل مختلف، قصد مهاجرت قاچاقی می‌شود (که آن روزها به نظر سوییس خاورمیانه‌می‌آمد). ارازند. آنچه آنها را دچار سرزوشنی مشترک می‌کند پشت سر گذاشتن جهنم زندگی در مملکتی اشغال شده و شوق یافتن حیاتی‌نو در سرزمینی موعود است تا علاوه بر اینکه خود را نجات دهند دست‌ی برای رسیدن به خانواده‌های‌شان باشند.

هر سه مرد برای رسیدن به کویت همراه راننده‌های می‌شوند که به نظر می‌رسد از قاچاقچی‌های حرفه‌ای قابل اعتمادتر باشند… این رمان با آنکه واقع‌گراست اما از وجهی نمادین نیز برخوردار است. این

پیشنهاد-۵

دربارهٔ مجموعه نقد «معمای البوت»

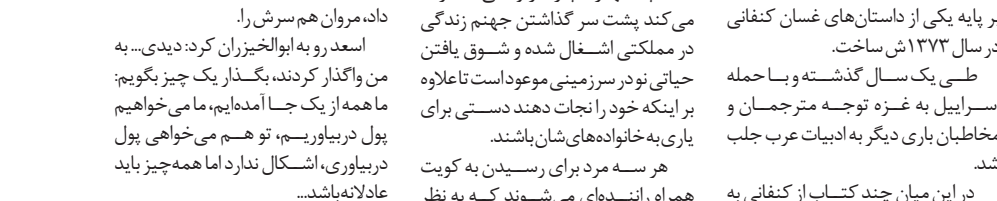
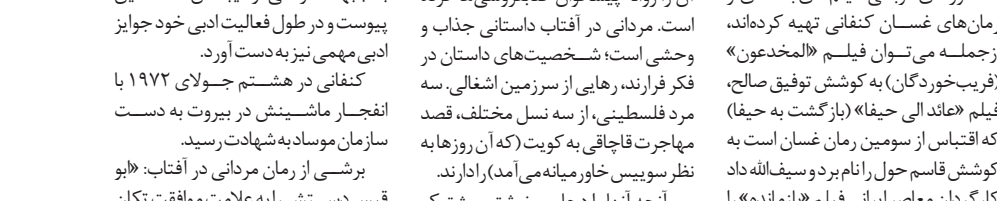
میرات شاعر سرزمین هوز

البوت را همواره در جهان با منظومه شگفت‌انگیز «سرزمین هوز» یا «سرزمین بی‌حاصل» به یاد می‌آورند، منظومه‌ای که در قرن بیستم سر و صدای قابل توجهی به پا کرد و نظرها را به سمت خودش کشاند. البوت برخلاف دیدگاه سیاسی عقب‌مانده‌اش، در زمینه فرهنگ و ادبیات پیشرو و به‌شدت مدرن بود. از این شاعر بزرگ و پرازوه در ایران می‌توان به عنوان شاعر آگاه آمده شرح و نقد شعله‌ور) دو منظومه دیگر با عناوین «در شن‌پشته خاکستر» (با ترجمه بیژن الهی) و «چهار کوارت» (با ترجمه مهرداد صدقی) منتشر شده است. شناخت دقیق و جامع البوت و آثارش، تنها راهیافتی به جهان ادبی او نیست، بلکه نوعی از هنر و ادبیات را در قرن بیستم به ما می‌شناساند. در اینجا ست شعر «معمای البوت» اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. این کتاب نوشته اما نویسنده با رجوع به نوشته‌های خود البوت که گسترده و روشنگر اشعارش هستند، روشی‌بازتر اختیار کرده است.

جاری آن را روانه پیشخوان کتابفروشی‌ها کرده است. معمای البوت آن طوری که به عنوان نام فرعی‌اش آمده شرح و نقد جامع آثار این شاعر، نویسنده و منتقد امریکایی-بریتانیایی‌است. البوت در این کتاب نمی‌کوشد تکتک تلمیحات ادبی آثار البوت یا حتی بیشتر آنها را شرح دهد. البوت مکرراً تذکر می‌داد که «شرح» و «درک» یکی نیست و در مقام خواننده به این نتیجه رسیده است که «بسیاری دانسته‌ها درباره تکوین شعر شاید حتی مخل از تباط با شعر شود». اما نویسنده با رجوع به نوشته‌های خود البوت که گسترده و روشنگر اشعارش هستند، روشی‌بازتر اختیار کرده است.



سید فرزام حسینی/ واقعیت امر چنین است که کتاب و مساله کتابخوانی چندان دیگر حرمت گذشته را ندارند. جماعت کتابخوان دیگر آنچنان ارج نمی‌بینند و بعضاً حتی به مردمانی بیکار تشبیه می‌شوند. واقعیت قضیه این است که دیگر کتاب قداست گذشته را ندارند، دیگر کتابخوانی امری مفید تلقی نمی‌شود، چرا؟! به دلایلی گسترده. از مسائل اقتصادی بگیرید تا گسترش رسانه‌های الکترونیکی. فکرش را بکنید، تیراز کتابی که روزی روزگاری در این سرزمین به میلیون می‌رسید، حالا و اکنون در بهترین حالت به دو هزار نسخه رسیده است، در چنین وضعیتی، همه چیز یک شوخی عجیب نیست؟ باری، بگذریم، نوروز در راه است، ۱۳ روز تعطیلی و روزهای آغازین بهار. طبعاً مسافرت‌هایی هم



قدم به قدم را برای مان با جزئیات تعریف می‌کنی و می‌گویی که دقیقاً چقدر می‌خواهی. البته بعد از آنکه رسیدیم پول را می‌دهیم، نه قبل از آن.»



البوت در مقام شاعر و منتقد بزرگ از چالش‌هایی که شعرش برمی‌انگیزد و از تفاوت کارهایش با آثار شاعران پیشین و همین‌طور از دشواری‌های خواندن کارهایش کاملاً آگاه بود. این کتاب در چهار فصل سیر تدریجی شعر او را پی می‌گیرد. او همچنین تصور «ذهن اروپا» را این‌بار بر پایه‌های کمتری بنا می‌کند و به گرایش مذهبی – کلاسیسیستی خود می‌افزاید. یکی از ویژگی‌های مهم آثار البوت که همواره از «مردان توخالی» (۱۹۲۵) به این سو بوده است، گرایش مذهبی البوت آشکارتر می‌شود و شعر و نمایشنامه‌هایش را بدون مراجعه مکرر به نقدهای می‌توان خواند. در واقع می‌توان گفت که اجزای به هم پیوسته شعرایی نظیر «چهارشنبه خاکستر» و «چهار کوارت»-اکنون مانند شرح یکدیگر عمل می‌کنند و گاهی صراحتاً تفسیر همدیگرند. این کتاب برای اولین بار به زبان فارسی ترجمه می‌شود و رمزگشایی تازه‌ای از آثار البوت خواهد بود.

